

امام مہدی

عجل اللہ تعالیٰ فرجه

آنحضرت
الہدی

حسین استاد ولی



امام محمدی ^{علیہ السلام}

آخرین یادگار الہی

حسین استاد ولی

استادولی، حسین، ۱۳۳۱ -

امام مهدی علیه السلام آخرین یادگار الهی / حسین استادولی -

تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی شبیر، ۱۳۸۰.

۷۲ ص. ISBN 964 - 5733 - 01 - 4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس -

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ - الف. عنوان.

۴۷ الف ۴ / BP ۲۴۴ / ۴۶۲ / ۲۹۷

۱۴۷۰۶ - ۷۸ م

کتابخانه ملی ایران

امام مهدی علیه السلام آخرین یادگار الهی

حسین استادولی

مرکز فرهنگی انتشاراتی شبیر

حروف‌نگاری شبیر

چاپ: نوبت سوم ۱۳۸۰

چاپخانه اتحاد

۵۰۰۰ نسخه

۳۲۰۰ تومان

شابک ۹۶۴ - ۵۷۳۳ - ۰۱ - ۴ ISBN 964 - 5733 - 01 - 4

مرکز پخش: انتشارات منیر، تلفن و دورنگار ۷۵۲۱۸۳۶

خیابان مجاهدین اسلام، چهارراه آب سردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۲ فهرست
۵ مقدمه
۱۱ ۱ ○ مصلح جهانی در ادیان الهی و مکاتب بشری
۱۲ مهدویت در اسلام
۱۶ اصالت مهدویت
۲۰ مهدویت در قرآن کریم
۲۴ مهدویت در شیعه
۲۷ ۲ ○ از ولادت تا غیبت
۳۳ مسأله غیبت
۳۴ مسأله نیابت

۳۶	سابقه و فلسفه غیبت
۴۲	○۳ مهدی علیہ السلام آخرین یادگار الهی
۴۴	معنای بقیة الله
۵۲	آثار وجودی بقیة الله علیہ السلام
۶۱	آثار حضور امام
۶۷	آثار ظهور امام
۷۱	فهرست منابع و مراجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين ، و صلى الله على سيدنا و نبينا
محمد و آله الطاهرين .

مقدمه

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ .^۱

در این روزگار که سایه شوم یأس و سرخوردگی بر دلها
گسترده شده و دلها را تیره و تار نموده، و فضای عطراگین
زندگی بشر در اثر تبعیضها، ستمها، اختلافها، جنایات، غلبه
ضد ارزشها و ... مه آلود و مسموم گشته، و راه سعادت

دنیوی - چه رسد به سعادت اخروی - به سان کلاف سردرگمی درآمده است، و آگاهان سیاسی بین‌المللی حجم بمبهای مخرب هسته‌ای را که در انبارهای دولتهای بزرگ ذخیره شده برای چندین بار نابود ساختن زمین کافی می‌دانند؛

در این روزگار که اوضاع آشفته و نابسامانیهای اجتماعی اعصاب جهانیان را خسته و فرسوده نموده و داد از نهاد خیرخواهان بشریت برآورده؛

در این روزگار که فلسفه‌های مختلف و ایسمهای گوناگون نه تنها راه‌حلی پیش روی بشر ننهاده بلکه او را به شکاکیت و لاقیدی و پوچی کشانیده؛

در این روزگار که سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر که مدعی کفالت و سرپرستی امور مردم دنیا می‌باشند نه تنها دردی را بهبود نبخشیده‌اند بلکه خود به سان غده سرطانی، در جان ملت‌های ضعیف رخنه کرده‌اند؛

در این روزگار که پیشرفتهای صنعتی و ابزار تولیدی و سائل زیست مادی را فراهم آورده و زندگی را آسان نموده،

اما استفاده‌های نادرست و کاربرد ناروای آنها جهان
پر زرق و برق را به سان کاخی دلاویز بر روی دوزخی سوزان و
جان‌ستیز درآورده؛

در این روزگار که هر کس بخواهد دم برآورد و کلمه حقی
بگوید فوراً صدای او را در گلو خفه می‌کنند، و هر کس سر
بجنباند و در پی فراهم آوردن توش و توانی برآید شاید از این
مرداب و منجلاب برهد قدرتهای اهریمنی و دست‌نشانده‌های
بی‌کفایت آنان از هرسو بر او می‌تازند و تمام نیروی خویش را
در حذف او به کار می‌برند؛

در این دریای پرتلاطم و توفانی که کشتی‌نشینان را کشتی
شکسته و هریک به تخته‌پاره‌ای یا خار و خاشاکی چنگ زده
تا مگر جان سالم به در برند؛

آری در این شرایط تیره‌وتار و در این غرقاب هلاکت‌بار،
تنها یک روزنه به سوی نور و رهایی و فرج کلی جهانی
به چشم می‌خورد و فقط یک نقطه امید هست که «دستی از
غیب برون آید و کاری بکند» و آن وجود نازنین آخرین

ذخیره و یادگار الهی، و تنها بازمانده معصوم از خاندان نبوی است که این روزها از نام و یاد او شور و شوقی دیگر در سر است؛ دلها در آرزوی دیدار او می‌تپد و بوی پیراهن یوسف زهر علیه السلام حیاتی تازه در جانها می‌دمد، شهر و دیار را به آرزوی مقدمش آذین می‌بندند، و شور و شغف همه جا را فراگرفته، مشتاقان و عاشقان او بر روی یکدیگر می‌خندند.

در این ایام که دل‌های همه خداپرستان به‌ویژه شیعیان و دوستان آن یار دیرین و دلبر نازنین متوجه اوست، بهتر آن دیدیم تا با گردآوری شکسته‌بسته‌ای از آن محبوب سخن گوئیم و جان را به شمیم ذکر یار - گرچه مکرر - طراوت بخشیم، و هم با استفاده از این فضای مناسب هدیه‌ای به دلشدگان حضرتش تقدیم داریم، باشد که بر معرفت و شناختشان بیفزاید، و شوری هرچه بیشتر از آن گمگشته سرور در دلها بیندازد.



بر سر آنم که گرز دست برآید
دست به کاری زخم که غصه سرآید
منظر دل نیست جای صحبت اغیار
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
بر در ارباب بی مروت دنیا
چند نشینی که خواجه کی به درآید
ترک گدایی مکن که گنج بیایی
از نظر رهروی که در گذر آید
بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر
باغ شود سبز و شاخ گل به برآید

حسین استادولی

مهرماه ۱۳۷۸

رجب ۱۴۲۰

۱) مصلح جهانی در ادیان الهی و مکاتب بشری

اعتقاد به مصلحی جهانی که روزی به همه نابسامانیها خاتمه دهد و کویر تفتیده جهان را به گلستان سرسبز و پر طراوت تبدیل کند و سرانجام، بشریت در این خاکدان نفسی راحت برآرد، اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه ظهور چنین روزی به دست چنان کسی در همه ادیان الهی و مکتبهای بشری نوید داده شده و پیروان آنها در انتظار آن به سر می‌برند، گرچه برخی از فیلسوف‌نمایان و مصلح‌نمایان و به اصطلاح آگاهان سیاسی، آینده

بشریت را تیره بینند و هلاکت بشر را به دست خود او نزدیک شمارند.

این نوید جان بخش در کتابهای تورات و انجیل که کتابهای مقدس یهود و نصاری است، و در کتابهای زند و پازند و جاماسبنامه که از کتابهای مقدس زرتشتیان است، و در کتابهای مقدس براهمه و بودائیان و هندوان و کتابهای عارفان و آثار کاهنان به چشم می خورد و هر یک از او به نامی یاد می کنند، حتی مکتبهای مادی بشری نیز نوید این بهشت موعود را به پیروان خود می دهند.

همچنین انتظار مصلح جهانی منحصر به ادیان شرقی نیست، بلکه در میان غربی ها نیز رایج است، حتی این عقیده و انتظار در میان سرخ پوستان آمریکا نیز شایع بوده و بر همین اساس تا پیش از سال ۱۸۹۰ میلادی بالغ بر بیست نوع نهضت در تاریخ آمریکا ضبط شده است.

در جهان اسلام نیز این اعتقاد به نام مهدویت مطرح است که اکنون به شرح آن می پردازیم.

مهدویت در اسلام

مهدویت (یعنی عقیده به این که طبق بشارات پیامبر گرامی اسلام ﷺ شخصی از اولاد او ملقب به مهدی در آخرالزمان قیام می کند و جهان را از لوث جور و ستم پاک می نماید) یک عقیده اسلامی است و بر خلاف تصور برخی از ناآگاهان، اختصاصی به شیعه ندارد، بلکه روایات مهدی علیه السلام در کتابهای همه فرق اسلامی وجود دارد. روایاتی که در این زمینه در کتابهای اهل سنت به چشم می خورد بسیار است، و کتابهایی که آنان

در خصوص مهدی نوشته‌اند کمتر از کتابهای شیعیان نیست. تنها فرقی که میان شیعه و اهل سنت در این باره دیده می‌شود این است که برخی از اهل سنت، مهدویت را شخصی نمی‌دانند بلکه به مهدویت نوعی معتقدند. می‌گویند در آخر الزمان مردی از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله (از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام یا نسل امام حسین علیه السلام) ظهور می‌کند و جهان را از ظلم و آشفتگی می‌رهاند، بدون آنکه نام و نشان او مشخص بوده یا قبلاً به دنیا آمده و برای این کار ذخیره گردیده باشد.

اما بسیاری از دانشمندان اهل سنت مانند عالمان شیعه، به مهدویت شخصی معتقدند، یعنی او را از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از نسل فاطمه علیها السلام از تبار حسین علیه السلام و فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام با نام و نشان خاص و شکل و شمایل ویژه می‌دانند.

برخی از دانشمندان اهل سنت در لابلای کتابها و سخنان خود نامی از مهدی موعود علیه السلام برده‌اند؛ برخی

فصل خاصی از کتاب خود را به ذکر ویژگیهای آن وجود مقدس اختصاص داده‌اند و برخی تألیفی مستقل درباره آن حضرت نگاشته‌اند. دانشمند گرامی، استاد علی دوانی کتابی بسیار سودمند در این زمینه به نام دانشمندان عامه و مهدی موعود علیه السلام نوشته و به نام هر یک از مؤلفین و سخن او اشاره نموده که از هر کتابی دیگر بی‌نیاز می‌سازد^۱.

۱ - این کتاب توسط دارالکتب الاسلامیه (آخوندی) به چاپ

رسیده است.

اصالت مهدویت

مسأله مهدویت از چنان اصالتی برخوردار است که از همان قرن اول اسلامی در شعار برخی فرقه‌سازان ظهور نموده و بسیاری از کسانی که داعیه اصلاح داشته‌اند خود را مهدی امت نامیده‌اند یا آنکه پیروانشان پس از آنان چنین ادعایی را در حق آنان روا داشته‌اند.

از جمله کیسانیه که به امامت محمد بن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام قائلند و او را مهدی این امت می‌دانند که از نظرها غایب شده و تا هنگام ظهور در کوه رضوی

به سر می برد.

و مانند زیدیه که زید بن علی بن الحسین را مهدی می دانستند^۱، و چون به شهادت رسید حکیم بن عباس کلبی شاعر بنی امیه از باب طعنه، خطاب به بنی هاشم گفت:

صَلَبْنَا لَكُمْ زَيْدًا عَلِيَّ جِدْعِ نَخْلَةٍ
وَلَمْ أَرَ مَهْدِيًّا عَلِيَّ الْجِدْعِ يُضَلَّبُ

«زید انقلابی شما را بر تنه نخلی دار زدیم، و من تا به حال ندیده‌ام که مهدی بر تنه نخل آویخته شود!»
و نیز برخی از سادات حسنی محمد بن عبدالله محض نوه امام حسن مجتبی علیهما السلام را مهدی می خواندند؛ که او نیز با پدر و برادر و گروه بسیاری از بنی هاشم به امر منصور دوانیقی به شهادت رسیدند.

۱ - البته خود این دو بزرگوار از این نسبت بری بوده خود را امام و

مهدی نمی دانستند.

از آن زمان به بعد تا قرون اخیره نیز بسیاری از کسان ادعای مهدویت داشته‌اند.

از جمله فرقه ضالّه بهائیت است، که باید گفت یک حزب آلوده سیاسی و دست‌پرورده سیاست روس و استعمار انگلیس است تا یک فرقه مذهبی!

رئیس این گروه سید علی محمد شیرازی (۱۲۳۵-۱۲۶۶ هـ.ق) بود که خبط دماغ او از سخنان و نوشته‌هایش هویدا است. وی به حکم علمای اسلام و امر میرزا تقی خان امیرکبیر در میدان مشق تبریز اعدام گردید. در ردّ این گروه کتابهای بسیاری نوشته شده که برخی از آنها توسط کسانی تألیف یافته که خود از پیروان آن فرقه بوده سپس دست از ضلالت برداشته‌اند.

همچنین کسانی دیگر مدعی مهدویت بوده‌اند که می‌توان از این اشخاص نام برد:

عبیدالله مهدی مؤسس دولت فاطمیان در مغرب

(اواسط قرن ۴)

محمد بن عبدالله تومرت در بلاد مغرب (اوایل قرن ۶)
سید احمد خان در پنجاب هند (قرن ۱۳)
شیخ مهدی سنوسی در مراکش و مصر (قرن ۱۳)
غلام احمد قادیانی در هند که مدعی بود عیسی بن
مریم است (قرن ۱۳)
محمد احمد، مهدی سودانی (قرن ۱۳).
و این خود بیانگر آن است که اصل مسأله مهدویت از
ضروریات و مسلمات مسائل اسلامی است هر چند
فرقه‌های اسلامی در ویژگیهای شخص مهدی علیه السلام
اختلاف داشته باشند.

مهدویت در قرآن کریم

در قرآن کریم آیاتی هست که برخی به ظاهر و برخی با تأویل و تطبیق و بیان مصداق، بر مسأله مهدویت دلالت دارد که اینک به چند آیه اشاره می‌کنیم:

(۱) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.^۱

خداوند همان است که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق

۱ - توبه/۳۳ و صف/۹. و نظیر آن در سوره فتح/۲۸.

فرستاد تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد گرچه مشرکان خوش ندارند. اسلام گرچه از نظر منطق بر همه ادیان غلبه دارد و از نظر عملی نیز در مناطق خاصی پیروزی یافته، اما هنوز به پیروزی نهایی نرسیده و سراسر جهان را فرا نگرفته و بر همه ادیان غلبه نکرده است و هنوز ندای کفر و شرک و نفاق در عالم طنین افکن است. بنابراین طبق روایات متواتر، این وعده به دست مهدی علیه السلام منتظر علیه السلام عملی خواهد شد.

(۲) وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.^۱

خداوند کسانی از شما را که اهل ایمان و عمل صالح‌اند وعده داده که آنان را در زمین جانشین سازد چنانکه گذشتگان را جانشین ساخت، و دینی را که برای آنان پسندیده استوار و فراگیر دارد، و آنان را پس از بیم و هراس به امنیت رساند، به گونه‌ای که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من نسازند. و هر که از آن پس کافر شود چنین کسانی که به حقیقت فاسقند.

در این آیه وعده حکومت مستضعفان و استقرار دینی و آزادی و امنیت کامل آنان و خداپرستی عمومی داده شده است.^۱ این وعده نیز تاکنون به صورت کلی عملی نشده و طبق روایات فراوانی، در آخر الزمان به دست مهدی موعود علیه السلام تحقق خواهد یافت.

(۳) وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

۱ - این که گفتیم «عمومی» برای آن است که در آن زمان نیز اهل فسق و نافرمانی و اهل باطل وجود دارند اما در اقلیتی ناچیزند و به حساب نمی‌آیند.

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ^۱

«و ما پس از ذکر (تورات) در زبور نوشتیم که زمین را بندگان

صالح من به ارث خواهند برد...».

در این آیه نیز وعده غلبه مستضعفان و بندگان صالح خدا بر کافران و قرار گرفتن حکومت زمین در اختیار آنان، داده شده است. این وعده نیز مانند وعده‌هایی که در آیات قبل آمده عملی نگردیده است و به دست مهدی موعود علیه السلام انجام خواهد گرفت.

آیات دیگری نیز هست که درباره آن حضرت و سیره و یاران او تأویل شده و از باب مصداق اتم ذکر گردیده که از بیان آنها چشم می‌پوشیم و پژوهندگان می‌توانند به بحار الانوار ۴۴/۵۱-۶۴ مراجعه کنند.

مهدویت در شیعه

شیعه امامیه (دوازده امامی) طبق روایات متواتری که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده معتقد است که مهدی موعود که ظهور وی در آخرالزمان مژده داده شده، آخرین امام معصوم از امامان دوازده گانه از خاندان پیامبر و نهمین امام از نسل پاک حسین بن علی^۱

۱ - نسب امامان معصوم از حضرت باقر علیه السلام به بعد از جهت مادر به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد، زیرا امام زین العابدین علیه السلام پدر امام باقر، داماد امام مجتبی بوده است.

و یگانه فرزند بلافصل حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام است که در سال ۲۵۵ (یا ۲۵۶) هـ ق به دنیا آمد و تا امروز به خواست خداوند زنده است و در پس پرده غیبت (یعنی به طور ناشناس در میان مردم) به سر می برد تا آنگاه که خداوند اذن ظهور دهد و با قیام خود جهان تیره را روشن سازد.

اینک نگاهی کوتاه به تاریخ زندگانی آن سفربرده که صدها قافله دل همراه اوست، می افکنیم، زیرا ذکر تاریخ و امور شخصی آن حضرت سبب می گردد تا مدعیان دروغین شناخته شوند، چرا که مشخصات مذکور با یک شخص بیشتر قابل تطبیق نیست.

۵۲ از ولادت تا غیبت

مورخان اسلامی نوشته‌اند: ولادت حضرت مهدی علیه السلام در سامرا در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق مطابق سال ۸۶۸ میلادی بوده است.

حکیمه دختر گرامی حضرت امام جواد و عمه بزرگوار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گوید: امام عسکری نزد من فرستاد و فرمود: عمه جان، امشب که شب نیمه شعبان است نزد ما افطار کن که خداوند حجت خود را در چنین شبی آشکار خواهد کرد. پرسیدم: از کدام

مادر؟ فرمود: نرجس (نرگس). گفتم: فدایت گردم، به خدا قسم اثری از بارداری در او نیست! فرمود: همین است که به تو می‌گویم.

من طبق دستور آن حضرت نزد او رفتم، لختی بعد نرجس آمد و به احترام من کفش را از پایم درآورد و پس از گفتگو و تعارفات، به او گفتم: دخترم، خداوند امشب پسری به تو کرامت خواهد کرد که آقای دنیا و آخرت است. او با شنیدن این مژده از روی حیا و شرم سر به زیر افکند.

من نماز عشا را خواندم و افطار کرده به بستر رفتم و خوابم برد. نیمه‌شب برخاستم، نماز شب گزاردم ولی نرجس در خواب راحت فرورفته بود و اثری از حمل و زایمان در او نبود. من به خواندن تعقیب سرگرم شدم و دوباره دراز کشیدم، سپس هراسان از خواب پریدم ولی او هنوز در خواب راحت بود، آن‌گاه برخاست و نماز شب گذاشت و خوابید.

من از اتاق بیرون شدم و منتظر طلوع فجر بودم که فجر اول چون دم روباه پدیدار گشت و باز هم او در خواب ناز بود. شکی در دلم گذشت که نکند... ناگاه ابو محمد عسکری علیه السلام از جای خود فریاد زد: عمه جان، شتاب مکن که وعده نزدیک است.

من نشستم و به خواندن سوره «الم سجده» و «یس» مشغول شدم که ناگهان نرجس هراسان از خواب پرید، به بالین او جستم و گفتم: در پناه نام خدا باشی! آیا چیزی احساس می‌کنی؟ گفت: آری عمه جان! گفتم: خود را جمع کن و دل آسوده دار که وقت آنچه گفتم رسیده است. در این جا من و او از حال رفتیم که ناگاه از صدای مولایم به خود آمدم؛ و جامه از روی نرجس کنار زدم و مولای خود (مهدی علیه السلام) را دیدم که به سجده افتاده و مواضع سجودش بر زمین قرار گرفته. او را در آغوش کشیدم دیدم پاک و پاکیزه است، و امام عسکری علیه السلام ندا کرد: عمه جان، فرزندم را نزد من بیاور. نوزاد را نزد وی

بردم، حضرت دست مبارک زیر رانها و پشت او گذاشت و پاهای او را بر سینه خود و زبان خویش در دهان او نهاد و دستهای خود را بر چشمها و بندهای بدن او کشید....^۱

□ مراسم ولادت و جریاناتی که توسط حضرت امام عسکری علیه السلام نسبت به این مولود مبارک انجام شده بسیار است که در کتابهای مفصل آمده و ذکر آنها به طول می انجامد.



□ امام حسن عسکری علیه السلام از سویی به خاطر تقیه و خوف از حکومت وقت، ولادت امام مهدی علیه السلام را پنهان می داشت، و از سویی دیگر برای اتمام حجت و معرفی امام پس از خود، با نشان دادن آن عزیز به خواص اصحاب، و نوشتن خبر ولادت او به برخی دیگر، و فرستادن صدقات به عدهای دیگر، آنان را از ولادت او

۱ - کمال الدین، شیخ صدوق رحمته الله ۹۹/۲.

باخبر می ساخت.

پنج سال بدین منوال گذشت. در سال ۲۶۰ هـ. امام عسکری علیه السلام در زمان معتمد عباسی و با توطئه او مسموم شد و در بستر بیماری افتاد و پس از چند روز به شهادت رسید. در همین بیماری، دولت وقت از آن رو که از ولادت فرزند آن حضرت بی خبر بود، به تفتیش و جستجو از آن وجود مبارک پرداخت و چون مأموران وی به آن فرزند دست نیافتند بعد از وفات امام، زنان و کنیزان او را در محدودیت و محاصره قرار دادند و زنان قابله برای واری آنان بردند بدین گمان که یکی از آنان به فرزند امام حامله است، حتی یکی از کنیزان آن حضرت که گمان بارداری به او می بردند دو سال تحت مراقبت کامل به سر برد تا آنکه معلوم شد باردار نیست.

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام برادر آن حضرت، جعفر بن علی (معروف به کذاب) مدعی جانشینی او شد و هنگام نماز بر بدن مطهر امام، پیش ایستاد تا نماز بخواند.

اما دیدند کودک خردسالی جلو آمد و دست رد بر سینه جعفر نهاد و او را کنار زده خود به نماز ایستاد و فوراً به سرداب خانه (زیر زمین) رفت و از نظرها ناپدید گشت.^۱

□ حضرت ولی عصر علیه السلام گرچه از نظرها پنهان است اما در روایات بسیاری وارد است که به طور ناشناس هر سال در مراسم حج شرکت می کند، و در طول ایام سال مجالس شیعیان می رود و بر روی فرشهای آنان گام می نهد و به هنگام لزوم، به دستگیری در ماندگان می پردازد و به فریاد دردمندان می رسد. و محل ظهور آن حضرت مکه معظمه است.

۱ - برخی از ناآگاهان به شیعه نسبت می دهند که شیعیان معتقدند امام در سرداب خانه خود پنهان شده است و از همان جا نیز ظهور می کند! حال آنکه این نسبتی نارواست. سرداب محل آغاز غیبت بوده است نه اینکه همیشه در آنجا پنهان باشد.

مسأله غیبت

امام مهدی علیه السلام از هنگام ولادت از نظر عموم پنهان بود و جز برخی از افراد خانواده و برخی از خواص حضرت عسکری علیه السلام کسی او را نمی دید، و پس از شهادت آن حضرت نیز همین گونه بود، به علاوه کسانی که واسطه میان ایشان و مردم بودند ایشان را مشاهده می کردند و اموال شیعیان را به حضرتش می رساندند و پیامها و دستورات لازمه و پاسخ نامه ها را به مردم ابلاغ می نمودند. نامه هایی را که امام در پاسخ شیعیان نگاشته اند توفیق

گویند و به توقیعات امام زمان علیه السلام مشهور است.
 از هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ هـ.) تا سال
 ۳۲۹ هـ. که غیبت صغری نامیده می شود^۱ افرادی چند
 وکیل و واسطه میان آن حضرت و مردم بودند که چهار تن
 از آنان در رأس قرار داشتند و بقیه با واسطه آنان عمل
 می کردند. این چهار تن عبارتند از:

مسأله نیابت

- ۱) ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عبدی اسدی،
 که وکیل امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز بوده است.
- ۲) پسر او محمد بن عثمان بن سعید (۳۰۴ هـ.).
- ۳) ابو القاسم حسین بن روح نوبختی، (۳۲۶ هـ.).

۱ - غیبت صغری را اگر از سال تولد امام غایب حساب کنیم ۷۴
 سال و اگر پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به حساب آوریم ۶۹ سال
 خواهد بود.

(۴) ابوالحسن علی بن محمد سمری، (۳۲۹ هـ). شش روز پیش از وفات سمری نامه‌ای از حضرت صاحب الامر علیه السلام به او رسید که مرقوم فرموده بود: شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت و نباید برای خود جانشینی قرار دهی، زیرا غیبت کبری آغاز شده و تا هنگامی که خداوند اذن ظهور دهد ادامه خواهد داشت. در این مدت وکیل و نایب خاصی وجود ندارد و هر که مدعی دیدار همراه با نیابت خاصه^۱ شود دروغگوست. آری فقهای پرهیزکار و علمای خودساخته دینی که جز رضای حق و امام خویش را در نظر ندارند به عنوان نواب عام، به اذن آن حضرت زمام امور دینی و اجتماعی را به دست دارند و امور مربوط به امام علیه السلام را انجام می دهند.

۱ - این شرط را از آن جهت ذکر کردیم که دیدار معمولی بدون ادعای رابطه خاص و نیابت، ممکن است و نمونه‌های فراوان دارد که در کتابهای مفصل ذکر شده است و مطالعه آنها سبب دلگرمی منتظران قدمش خواهد بود.

سابقه و فلسفه غیبت

گفتنی است که خبر از غیبت آن حضرت سالها پیش از تولد او در اخبار رسول اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام رسیده بود و چنان نیست که این اخبار پس از وقوع غیبت جعل شده باشد.^۱

همچنین مسأله غیبت حضرت مهدی علیه السلام در اسلام امر تازه‌ای نیست، زیرا نظیر آن در ادیان گذشته و امتهای پیشین نیز سابقه داشته است. مرحوم شیخ صدوق رضی الله عنه در این زمینه از برخی پیامبران مانند حضرات ادریس، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی و... علیهم السلام نام می‌برد و غیبت هر یک از آنان را شرح می‌دهد.^۲

درباره فلسفه غیبت آن بزرگوار نیز روایاتی رسیده که

۱ - برای آگاهی از این اخبار < کمال الدین، صدوق رضی الله عنه، ص ۲۸۶-۳۸۳ و غیبت نعمانی، ص ۱۴۰-۱۹۴.
 ۲ - کمال الدین، ص ۱۲۷ به بعد.

از مجموع آنها چند علت به دست می آید:

۱) شاید بتوان اولین علت را خوف از قتل دانست، از آن جهت که در روایات فراوانی از پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام رسیده بود که آخرین امام از امامان دوازده گانه قریش (که نهمین فرزند از فرزندان حسین علیه السلام می باشد) در آخر الزمان قیام خواهد کرد و بساط ظلم و ستم را بر خواهد چید، خلیفه وقت در زمان امام عسکری علیه السلام، معتمد عباسی در صدد از میان بردن او بود و چنانکه گذشت هرگونه ترفندی را برای جلوگیری از تولد او یا کشتن او پس از تولد به کار برد.

ممکن است کسی بگوید: چه مانعی داشت که ایشان نیز

مانند پدرانش غایب نمی شد و به شهادت می رسید؟

پاسخ آن است که پدران بزرگوارش آخرین حجت الهی نبودند اما آن حضرت آخرین حجت و ذخیره خدا بود، زیرا بنا نبود که امام دیگری پس از ایشان به عرصه ظهور

برسد. اما اینکه چرا باید امامان دوازده تن باشند و جهان به دست آخرین کس از ایشان آکنده از صلح و صفا گردد و چه می شد اگر صدها تن امام معصوم داشتیم و هرگاه جهان آمادگی می یافت به دست آخرین آنان اصلاح صورت می گرفت؟ این رازی است که ما از آن سردر نمی آوریم چنانکه نمی دانیم چرا شمار پیامبران الهی عدد خاصی است و نیز هزاران چرای دیگر که بر ما مجهول است و به خواست خداوند در زمان ظهور آن عزیز که دامنه علم بسیار گسترده خواهد شد معلوم خواهد گشت.

البته خوف از قتل گرچه امروز از سوی خلفای عباسی از میان رفته اما خوف از دولتهای بزرگ همچنان باقی است. و چون بنا نیست که کار اصلاح تماماً با معجزه صورت پذیرد بلکه بازحمت توانفرسا و

درگیری با قدرتهای بزرگ تحقق خواهد یافت^۱، باید گفت وجود خوف همچنان برقرار است.

(۲) خداوند پیش از آن حضرت یازده نور پاک را برای هدایت و اصلاح و آبادانی دین و دنیا و تحصیل سعادت مادی و معنوی مردم در میان آنان گماشت اما قدر این نعمت را ندانستند و یکی را پس از دیگری به شهادت رساندند و هرگز آمادگی نیافتند که به فرمان آنان گردن نهند و دولت حق را تشکیل دهند. بنابراین باید در اثر خالی بودن جامعه

۱ - بشیر نبال می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: مردم می گویند هنگامی که مهدی قیام کند همه کارها به آسانی برای او مرتب شود و به اندازه شاخی که با آن حجامت می کنند خون نریزد! فرمود: نه، به خداوند سوگند اگر بنا بود کار برای کسی به آسانی مرتب شود برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شد حال آنکه آن حضرت / در جنگ احد / دندان مبارکش شکست و پیشانیش مجروح گشت. نه، به خداوند سوگند که کار درست نمی شود تا ما و شما عرق و خون را با هم از پیشانی پاک کنیم. آن گاه دست به پیشانی کشید. (غیبت نعمانی / ۲۸۴)

از حجت ظاهری و پدیدار شدن مشکلات جانفرسا، زمینه قیام و اصلاح در خود مردم پیدا شود و روحیه پذیرش حکومت حق در آنان ایجاد گردد تا قدر امام حاضر را بشناسند و به یاری او حق را در جهان آشکار سازند.

(۳) آزمایش مردم در غیبت امام علیه السلام و تصفیه نیروها و روشن شدن چهره‌های ایمانی و نفاق، یکی دیگر از فلسفه‌های غیبت است، و این سخن سر دراز دارد.

(۴) یکی دیگر از فلسفه‌های غیبت آن است که جهان حکومت‌های غیرالهی را تجربه کند و به سستی و بی‌پایگی و عدم توانایی آنها پی برد، آنگاه آمادگی بلکه تقاضای حکومت حق را پیدا نماید. امام باقر علیه السلام فرمود: «دولت ما آخرین دولتهاست، و هیچ صنف و گروهی نیست مگر آنکه پیش از ما به حکومت رسند تا چون حکومت عدل ما را دیدند نگویند اگر ما هم قدرت می‌یافتیم

عدالت می‌ورزیدیم»^۱.

فلسفه‌ها و حکمت‌های دیگری نیز در امر غیبت نهفته است که ما از آن بی‌خبریم و با بحث و پژوهش می‌توان به پاره‌ای از آنها پی برد.

۳۰ مهدی علیه السلام آخرین یادگار الهی

از معروف‌ترین القاب مبارک مهدی موعود علیه السلام بقیة الله است. این لقب شریف از آیه ۸۵ سوره هود گرفته شده که در کلام حضرت شعیب علیه السلام خطاب به قومش آمده است: **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ**.
برای روشن شدن مفهوم این لقب، لازم است توضیحی کوتاه درباره اصل این آیه شریفه داشته باشیم.
در سوره مبارکه هود آیات ۸۴ تا ۹۵ از دعوت و گفتگوی حضرت شعیب علیه السلام با قوم خود سخن به میان

آمده است. از جمله آنکه شعیب علیه السلام آنان را از کم فروشی به شدت نهی می کند و گوشزد می نماید که افزایش کمی ثروت - ثروتی که از راه ظلم و ستم و استثمار دیگران به دست آید - سبب بی نیازی شما نخواهد بود، آن گاه می فرماید: **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ**. « سرمایه و سود حلالی که در اثر معامله صحیح خداوند برایتان باقی می نهد هر چند کم و اندک باشد برای شما بهتر است اگر ایمان دارید ».

معنای بقیة الله

بقیة در لغت به معنای باز مانده و یادگاری است که از دیگری به جای ماند و یا کسی آن را از خود به جای نهد خواه خودش هم باقی باشد یا نباشد. و طبق معنای دوم نسبت آن به خدای متعال درست می آید. منظور از بقیة الله در سخن شعیب علیه السلام همان سود حلال اندک

است که چون با به کار بردن فرمان خدا به دست آمده بقیة الله یعنی بازمانده الهی نامیده شده، یعنی چیزی که خداوند آن را باقی نهاده است.

این شأن نزول آیه است. اما به قول مفسران، شأن نزول مخصّص نیست. یعنی اگرچه آیه‌ای در مورد خاصی نازل شود اما حکم آیه منحصر به آن مورد خاص نمی‌گردد، و اگر چنین بود قرآن کریم تازگی خود را از دست می‌داد و برای همه عصرها سودمند نبود^۱، بلکه آیات قرآن کریم مفاهیم جامعی دارند که می‌توانند در اعصار و قرون بعد بر مصداقهای کلی‌تر و وسیع‌تر تطبیق گردند.

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر آیه‌ای بر مردی (درباره مردی)

نازل می‌شد و آن مرد می‌مرد آن آیه هم می‌مرد (از عمل می‌افتاد) کتاب الهی از میان می‌رفت. ولی کتاب خدا زنده است و درباره آیندگان مانند

گذشتگان جریان دارد. (بحار الانوار ۴/۲۳)

حضرت شعیب‌اند و منظور از بقیة الله سود و سرمایه حلال است، ولی هر موجود سودمندی که از سوی خداوند برای بشر باقی بماند و مایه خیر و سعادت او گردد بقیة الله محسوب خواهد شد. از این رو می‌توان گفت: تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ بقیة الله‌اند، و تمام رهبران راستین که نماینده خداوند در میان خلق‌اند بقیة الله‌اند.

علامه مجلسی رحمته الله علیه گوید: مراد از بقیة الله انبیاء و اوصیاء هستند که خداوند آنان را برای هدایت خلق در زمین باقی نهاده، و یا اوصیاء و ائمه علیهم السلام هستند که بازماندگان پیامبران در میان امتهای آنانند...^۱

به‌همین دلیل می‌بینیم که در روایات، این لقب مبارک، خاص حضرت مهدی علیه السلام نیست بلکه هر یک از امامان علیهم السلام نیز در عصر خود بقیة الله شمرده شده‌اند، و

در این زمینه شواهدی در روایات و زیارات آنان وجود دارد.

در زیارت جامعه می خوانیم: **السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ ... وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ**.^۱

در سلام اصحاب کهف به علی علیه السلام آمده است: **يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ**.^۲

در وصف امام باقر علیه السلام آمده است: **هَذَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ**.^۳

هشام بن عبدالملک اموی در زمان حکومت خود امام باقر علیه السلام را از مدینه به شام طلبید و طی جریانات مفصلی که در شام روی داد آن حضرت را به مدینه بازگردانید. در هنگام بازگشت به مأموران دستور داد آن حضرت را در

۱ - من لایحضره الفقیه ۲/۶۱۱، تهذیب ۶/۱۰۸.

۲ - بحار الانوار ۳۹/۱۴۳.

۳ - بحار الانوار ۴۶/۲۵۹.

مضیقه قرار دهند و به مردم شهرها و روستاهای میان راه اعلام کنند که کسی آذوقه‌ای در اختیار آن حضرت و همراهان وی قرار ندهد. هنگامی که به شهر مدین رسیدند و مردم آن شهر دروازه را به روی امام بستند و از دادن آذوقه خودداری نمودند، امام علیه السلام بر بالای کوهی در آن اطراف برآمد و با صدای بلند فریاد زد: ای مردم ستمگر این شهر! اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ، مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ هَسْتُمْ وَ خَدَاوَنَد مِي فَرْمَايِد: بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (داستان ادامه دارد و ما شاهد مثال از آن را ذکر کردیم).^۱

مادر بزرگوار حضرت رضا علیه السلام گوید: هنگامی که قنداقه آن حضرت را به پدر گرامیش موسی بن جعفر علیه السلام دادم، امام به من تهنیت گفت، آن‌گاه در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت ... سپس او را به من

بازگرداند و فرمود: او را بگیر که او بازمانده و یادگار خداوند در زمین است (فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ) ^۱.

□ آری از آنجا که مهدی موعود علیه السلام آخرین پیشوا و

بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از روشن ترین مصادیق بقیة الله می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است، به ویژه که تنها بازمانده و یادگار الهی بعد از پیامبران و امامان است. و لذا می بینیم که در روایات چندی این لقب شریف بر آن حضرت نهاده شده است.

مردی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: آیا با لقب «امیرالمؤمنین» بر حضرت قائم علیه السلام سلام می کنند؟ فرمود: نه، این نامی است که خداوند فقط بر علی علیه السلام نهاده و کسی را پیش از او بدان نام ننامیده و پس از او نیز کسی جز کافر آن را بر خود نخواهد نهاد. راوی گفت:

فدایت شوم، پس چگونه بر ایشان سلام می‌کنند؟
 فرمود: می‌گویند: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ**. سپس امام علیه السلام
 این آیه را تلاوت فرمود: **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**.^۱
 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف آن حضرت می‌فرماید:
بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ^۲ «او بازمانده‌ای از بازمانده‌های
 حجت خداست».

ابن ابی‌الحدید در شرح این سخن گوید: نزد
 اهل سنت، او مهدی است که بعداً به دنیا خواهد آمد، و
 همه فرق‌های اسلامی اتفاق دارند که دنیا و تکلیف
 سپری نمی‌شود تا آنکه مهدی ظهور کند.^۳
 امام صادق علیه السلام هنگامی که امامان پس از خود را
 معرفی می‌کند، درباره امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

۱ - تفسیر نورالثقلین ۲/۳۹۰ به نقل از کافی ۱/۴۱۱ و ۴۱۲.

۲ - نهج البلاغه، خطبة ۱۸۲.

۳ - بحارالانوار ۵۱/۱۱۴ به نقل از شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید.

وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ...^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله در معرفی آن بزرگوار می فرماید: ثُمَّ سَمِيَّ وَ كُنِّي حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّةُ فِي عِبَادِهِ.^۲ سپس همنام و هم کنیه من است که حجت خدا در زمین و بازمانده او در میان بندگان است.

و در زیارت آل یس می خوانیم: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.^۳

احمد بن اسحاق اشعری گوید: امام عسکری علیه السلام در حالی که کودکی چون ماه شب چهارده را بر دوش داشت به سوی ما بیرون شد و پس از معرفی وی، آن کودک با زبان عربی فصیح فرمود: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ. من بازمانده خداوند در زمین و انتقام گیرنده از

۱ - بحار الانوار ۵۱ / ۱۴۵.

۲ - بحار الانوار ۲۳ / ۲۸۹.

۳ - بحار الانوار ۹۴ / ۳۷.

دشمنان او هستم.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند پشت به خانه کعبه دهد و در حالی که سیصد و سیزده تن یارانش نزد او گرد آمده‌اند، نخستین سخنی که گوید این آیه است: **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ**، سپس می‌فرماید: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ**. پس هر مسلمانی که به او سلام کند گوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ**.^۲

بنابراین عنوان بقیه الله نه بر اساس نزول آیه شریفه بلکه بر اساس تأویل و تطبیق و بیان مصداق، بر امامان اهل بیت علیهم السلام از جمله وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام نهاده شده است.

۱ و ۲ - تفسیر نورالثقلین ۲/۳۹۲ به نقل از کمال الدین.

آثار وجودی بقیة الله ﷺ

در آیه مورد بحث آمده است: «بقیة الله برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید.» در اینجا باید دید بقیة الله از چه چیز بهتر است و آثار وجودی او چیست؟ آنچه از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود آن است که آنچه خداوند از سود حلال برای شما باقی می نهد بهتر از سرمایه های انبوهی است که با کم فروشی و کاهش حق مردم انباشته می سازید. این سرمایه ها گرچه کلان است اما اولاً بی اساس و لرزان است و همیشه در معرض خطر

نابودی قرار دارد و غالباً صاحبان این گونه سرمایه‌ها کام‌خوشی از آن نمی‌گیرند. ثانیاً به فرض که باقی ماند و صاحبانش از آنها کام‌گرفتند، این خوشی موقت است و عذابی را در پی دارد که شیرۀ آن خوشیها را از مغز استخوانشان بیرون خواهد کشید!

در مقابل، سود حلال گرچه اندک باشد، اما از برکت خداوند برخوردار است و سلامت بدن و سلامت دین و ایمان، و نسل پاک و فرزندان صالح و ... را در پی دارد. در برخی از دعاهای مأثوره می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ.

خداوندا مرا با روزی حلالیت از حرام، و با فضل و بخشش خویش از

غیر خود بی‌نیاز فرما.

همچنین وجود مبارک امام معصوم که بازمانده و

یادگار و ذخیرۀ الهی در میان خلق است خیراتی به همراه

دارد که بر خواهیم شمرد. و نیز وجود و زمامداری او

بسی بهتر از وجود و زمامداری کسانی است که شایستگی این منصب را ندارند (گرچه در حکومت آنان کامرواییها و خوشگذرانیهای ظاهری و زرق و برق‌های مادی به چشم بخورد، زیرا همه اینها ناپایدار است و سرانجام شوم آنها گریبانگیر صاحبانشان خواهد شد).
 تأمین سعادت دنیا و آخرت بسته به وجود امام و پیاده شدن برنامه‌های اوست. اگر مردم بر ایمان و اطاعت امام معصوم پای بفشینند، به حکم قرآن کریم درهای برکات آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌گردد و فیوضات مادی و معنوی بر سر آنان فرو می‌بارد و همه تشنگان سعادت از باران رحمت حق سیراب خواهند گشت، چنانکه فرموده:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
 مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ.^۱

و نیز فرموده:

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا.^۲

و به عکس، اگر قدر امام حاضر و حجت آشکار حق را نشناختند و یکی را پس از دیگری به شهادت رساندند، خداوند آن حجت و امام را از میان خلق نهان می‌دارد و آنان را چندی به حال خود یله و رها می‌سازد، شاید به خود آیند و دست از ستیز بازدارند. و نیز حاکمان ستمکار و زمامداران ناشایسته‌ای را بر سر آنان مسلط می‌سازد تا دمار از روزگارشان برآرند و عذاب نامردمی‌های خود را بچشند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند پس از من، بنی‌امیه را اربابان بدی برای خود خواهید یافت به‌سان شتری

۱ - اعراف / ۹۶.

۲ - جن / ۱۶.

مست که گاز می‌گیرد و لگد می‌زند و از دوشیدن شیرش مانع می‌شود. آنان چنان بر شما مسلط می‌گردند که جز کسی را که به حالشان سودمند است یا زیانی برایشان ندارد باقی نمی‌نهند. و آنقدر در دوران بنی‌امیه خوار و ذلیل می‌شوید مانند برده‌ای زرخرید که تنها کاری که از دستش برمی‌آید آن است که در حضور آقایش چاپلوسی می‌کند و در غیابش بدگویی می‌نماید!....^۱

و در سخنی دیگر می‌فرماید: شما افراد ناشایسته را بر مسند حکومت نشانید، و این مقام را در غیر جای خود نهادید. خداوند به‌زودی از ستمکاران انتقام خواهد گرفت و طعامی تلخ‌تر از حنظل و جانکاه‌تر از زهر به کامشان خواهد ریخت و لباس بیم و هراس را بر آنان خواهد پوشاند، و شمشیر آهیخته را بر سرشان خواهد نهاد....^۲

آری کار کسانی که از حجت حق دور شوند و سر از

۱ - نهج البلاغه، خطبة ۹۲.

۲ - نهج البلاغه، خطبة ۱۵۷.

طاعت او بیچند بدان جاکشد که: «آب دهان به چهرهٔ یکدیگر افکنند، و همدیگر را لعن و نفرین کنند، و یکی دیگری را کذاب و دروغزن شمارد».^۱

در آن شرایط ایمانها سست شود و مؤمن از صبح تا شب یا شب تا صبح بر ایمان خود ثابت نماند^۲، و اعتقاداتها مانند شیشه و کوزهٔ سفالین شکننده گردد،^۳ و باورها مانند دانه‌ای که آفت به آن افتد آسیب بیند.^۴

با این همه حجت الهی ابطال نمی‌پذیرد و چهرهٔ حق به کلی تیره و تار نمی‌گردد، بلکه در این میان، گروهی مانند شمشیر تیز آبدیده می‌شوند و جامعه‌ها پس از سرخوردگی از اختلافهای فردی و اجتماعی و قومی و نژادی و مسلکی، و پس از خستگی و دلزدگی از

۱ - غیبت نعمانی / ۲۰۶ در حوادث عصر غیبت.

۲ - غیبت نعمانی / ۲۰۷.

۳ - همان مدرک.

۴ - غیبت نعمانی / ۲۱۰.

شهوت پرستی‌ها و کامرواییهای پوچ، دوباره عقلهای پریده‌شان سرجا می‌آید و دلها شیفته حق و حقیقت می‌گردد و فریاد از نهادها برمی‌آید و از جان و دل طالب می‌شوند که خداوند، مصلح کل و حجت خویش و آن بازمانده و ذخیره خود را به فریاد آنان برساند و همه یکدله به زبان حال گویند:

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم

از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم

....

شمشیر کجاست راست کند قامت دین را

هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

بنابراین فوایدی بر وجود امام مترتب است که آثار آن در صورت نبود یا عدم ظهور و حضور وی نمایان می‌شود. در اینجا لازم است خاطر نشان سازیم که غیبت امام به معنای «عدم ظهور» اوست نه «عدم حضور» او، و میان

این دو فرق بسیار است.^۱ امام غایب در جامعه حضور و نقش اساسی دارد، مانند امام ظاهری که در متن مسائل جامعه است ولی قدرت اجرایی از او گرفته شده است، و از این لحاظ فرقی میان آن دو نیست.

به طور کلی آثار امام که بقیّة الله در زمین است بر دو

قسم است:

(۱) آثار حضور

(۲) آثار ظهور

۱ - این نکته جالب از روزنامه کیهان ۷۸/۷/۲۲، ش ۱۶۶۳۳

اقتباس گردیده است.

آثار حضور امام

۱) امام انسان کامل است و انسان کامل هدف نهایی آفرینش و سبب بقای آن است. بنابراین وجود امام در هر زمانی ضرورت دارد و اگر جهان لحظه‌ای از وجود او خالی باشد هدف خود را از دست داده، انقراض آن حتمی است.

از این رو در وصف حضرت بقیة الله عليه السلام می‌خوانیم:
الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا، وَ يَمْنِهِ رِزْقَ الْوَرَى، وَ بِوُجُودِهِ

ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.^۱

و در روایات فراوانی این مضمون وارد است که «اگر حجت الهی نباشد زمین اهل خود را فرو می برد».^۲

از همین جااست که در فلسفه و عرفان به ثبوت رسیده است که حقیقت انسان کامل (که نور وجودی محمد و آل محمد علیهم السلام است) پیش از همه موجودات آفریده شده و به اصطلاح «صادر اول» است. و نیز در روایات وارد است: **الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ**.^۳

حجت خدا پیش از خلق و با آنها و پس از آنها بوده و خواهد بود و هیچگاه جهان از حجت خالی نیست.

(۲) امام حجت خداست و حجت خدا هنگامی تمام و

۱ - مفاتیح الجنان / ۸۴، دعای عدیله: «امامی که دنیا به بقای او باقی است، به برکت او مردم روزی می خورند و آسمان و زمین به وجود او برپاست».

۲ - کافی ۱/ ۱۷۷-۱۷۸.

۳ - کافی ۱/ ۱۷۷.

رسا خواهد بود که حی و حاضر باشد (نه لزوماً حی و ظاهر).

اگر جهان از حجت الهی خالی باشد و کسی نباشد تا راه حق را برای مردم روشن کند و راههای انحرافی را به آنان بنماید، منحرفان را رسد که به پیشگاه پروردگار عذر آورده، گویند:

لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا،
فَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزِي؟!^۱ چرا رسولی
هشداردهنده به نزد ما نفرستادی، و نشانه‌ای راهنما برای ما
به پانداستی تا از نشانه‌های تو پیروی کنیم پیش از آنکه به این
خواری و زبونی دچار آییم؟!

حال اگر این حجت الهی در اثر خوف از ستمکاران و کوتاهی‌ها و نامردمی‌های امت، ناچار شود از نظرها غایب گردد و به‌طور ناشناس در میان آنان زیست کند،

۱ - دعای ندبه، با اقتباس از آیه ۱۳۴ سوره طه.

منافاتی با تمام بودن حجت خدا ندارد. زیرا آنچه به جهت هدایت خلق بر عهده خداوند بوده از سوی خداوند به انجام رسیده و این خودِ خلق هستند که مانع ظهور او گشته‌اند.

شب‌پره گر وصل آفتاب نخواهد

از رونق بازار آفتاب نکاهد



طیب عشق مسیحادم است و مشفق لیک

چو درد در تو نبیند که را دوا بکند؟

خواجه نصیر طوسی رضی الله عنه آن عقیده‌شناس بزرگ شیعه، در پاسخ کسانی که می‌گویند فایده‌ای که از وجود امام در نظر است از امامی که حکومت را به دست ندارد - حاضر باشد یا غایب - متصوّر نیست، می‌گوید:

وَجُودُهُ لَطْفٌ، وَ تَصَرُّفُهُ لَطْفٌ آخِرٌ، وَ عَدَمُهُ مِنَّا.^۱

« وجود امام (خواه حکومت را به دست داشته باشد یا نه) لطفی است از جانب خداوند (که آمادگی دارد بندگان را به موجبات سعادت نزدیک و از موجبات شقاوت دور سازد) و حکومت او لطفی دیگر است (که اگر حاصل باشد بندگان به راه سعادت خواهند رفت) ، و عدم تصرف و حکومت او از ماست (این ما بندگان هستیم که یا دشمن ستمکار اویم یا دوست قدرناشناس او ، و همین سبب شده است که امام یا ظاهر باشد و در تقیّه به سر برد ، یا غایب بوده ، دسترسی به او امکان پذیر نباشد) .»

خلاصه آنکه ، وجود امام حجتی است از سوی خدا بر بندگان ، و اگر زمانی جهان از وجود امام خالی باشد بندگان را بر خداوند حجت خواهد بود ، و این محال است . و روشن است که ظهور و غیبت امام از جهت این آثاری که ذکر شد فرقی ندارد ، زیرا در صورت ظهور هم کسانی هستند که به امام دسترسی ندارند و نمی توانند از

محضر او بهره برند، بلکه به واسطه عالمان پرهیزکار دینی و فقهای برجسته از راهنماییهای وی بهره می گیرند چنانکه در عصر امامان پیشین چنین بوده و در زمان غیبت حضرت بقیه الله - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز چنین است.

(۳) وجود امام - گرچه در پس پرده غیبت - مایه امید و آرامش دلهاست و این امیدواری از بزرگترین اسباب موفقیت است. فرق است میان آنکه اصلاً از وجود امام نومید باشیم، و میان آنکه به وجود او دلخوش باشیم و بدانیم که با توسل و خودسازی می توان دامن او را به چنگ آورد و به فریادرسی او امیدوار بود. و به همین دلیل است که انتظار فرج از بزرگترین عبادات است.

آثار ظهور امام

به طور کلی وظایف امام در سه چیز خلاصه می شود:

(۱) بیان احکام الهی و جلوگیری از انحرافات فکری.

(۲) دآوری در میان مردم و بیان حق و باطل در حقوق

افراد.

(۳) اجرای احکام الهی و زمامداری اجتماعی و

سیاسی جامعه.

امام ظاهر ممکن است در دوران حکومت باطل

زندگی کند و قدرت سیاسی را به دست نداشته باشد، اما

بتواند وظیفه اول را به طور کامل و وظیفه دوم را به طور نسبی به انجام برساند. و اگر زمینه فراهم باشد و قدرت سیاسی را در دست داشته باشد مورد سوم نیز قابل اجرا خواهد گشت.

امام غایب نیز گرچه از اجرای مورد دوم و سوم ممنوع است، اما به سان خورشید پشت ابر که نور و حرارتش به زمین می رسد، در مورد اول فعال است و خود شخصاً به هنگام لزوم، احکام الهی را به کسانی که باید، می رساند و گاه به واسطه افراد دیگر این وظیفه را انجام می دهد و داستان شیخ مفید و علامه حلی و مقدس اردبیلی رحمتهم الله در این زمینه معروف است. علاوه بر این، دستگیریه‌ها و فریادرسیهایی از خود آن حضرت یا گماردگان او صورت گرفته و می گیرد که کمتر از انجام آنها توسط امام ظاهر نیست.

❁ ❁ ❁

آنچه در این خلاصه گفته آمد تفسیری بود بر عنوان بقیة الله که از القاب مهدی موعود علیہ السلام است. البته سخن در شئون گوناگون آن حضرت بسیار است و ما به یک عنوان از آنها پرداختیم. در اینجا دامن سخن برمی چینیم و با غزلی از عالم فرهیخته و عارف دلسوخته آیه الله غروی اصفهانی (کمپانی) به یاد آن یوسف گمگشته زهرا علیها السلام نغمه سوز و عشق می سراییم:

دلبرا گر بنوازی به نگاهی ما را

خوشر است ار بدهی منصب شاهی ما را

به من بی سرو پا گوشه چشمی بنما

که محال است جز این گوشه پناهی ما را

بر دل تیره ام ای چشمه خورشید بتاب

نبود بدتر از این روز سیاهی ما را

از ازل در دل ما تخم محبت کشتند

نبود بهتر از این مهر گیاهی ما را

گرچه از پیشگه خاطر عاطر دوریم
 هم مگر یاد کند لطف تو گاهی ما را
 با غم عشق که کوهی است گران بر دل ما
 عجب است از نخرد دوست به گاهی ما را
 مفتقر راه به معموره حسن تو نبرد
 بده ای پیر خرابات تو راهی ما را



اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ اكْحَلْ نَاطِرَنَا بِنَظْرَةِ
 مِنَّا إِلَيْهِ، وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ، وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ، آمِينَ يَا رَبَّ
 الْعَالَمِينَ.^۱

۱ - بارپروردگارا، در فرج او شتاب کن و اسباب خروجش را فراهم ساز، و دیدگان ما را با نظر به جمال نورانش منور بدار، یارانش را یاری رسان و دشمنانش را خوار گردان...».

فهرست منابع و مراجع

- ۱ - قرآن کریم
- ۲ - امام مهدی علیه السلام ، محمد علی دخیل
- ۳ - بحار الانوار ، علامه محمد باقر مجلسی
- ۴ - تفسیر نمونه ، ناصر مکارم شیرازی
- ۵ - تفسیر نور الثقلین ، عبدعلی بن جمعه حویزی
- ۶ - تهذیب الاحکام ، شیخ طوسی
- ۷ - دادگستر جهان ، ابراهیم امینی
- ۸ - دیوان شعر ، حافظ

- ۹ - دیوان شعر، کمپانی
- ۱۰ - دانشمندان عامه و مهدی موعود، علی دوانی
- ۱۱ - الغیبة، محمد بن ابراهیم نعمانی
- ۱۲ - الکافی (اصول)، شیخ کلینی
- ۱۳ - کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق
- ۱۴ - المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، جمعی از فضلا
- ۱۵ - مفاتیح الجنان، محدث قمی
- ۱۶ - مفتاح باب الابواب، زعیم الدولة تبریزی
- ۱۷ - منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیہ السلام، لطف الله صافی
- ۱۸ - من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق
- ۱۹ - مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی
- ۲۰ - مهدی موعود، علی دوانی
- ۲۱ - نجم ثاقب، میرزا حسین نوری طبرسی